



میانجگیری چین و تأثیر آن بر بهبود روابط عربستان و ایران

دکتور بسم الله منگل *

چکیده

اهداف اصلی سیاست خارجی کشورها را رشد و توسعه اقتصادی و تأمین امنیت تشکیل می‌دهند. سیاست خارجی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران هم از این امر مهم مستثنی نبوده و تعاملات رسمی بین دو بازیگر در منطقه شرق میانه بحرانی، بغرنج و پرتنش بوده، اما در سال‌های اخیر روابط بین دو کشور به سوی تعامل و همکاری‌های سازنده بهبود یافت. سؤال اصلی این است که چه عامل در بهبود روابط بین دو کشور و کاهش تنش میان تهران - ریاض مؤثر بوده است؟ برای پاسخگویی به این پرسش اطلاعات اولیه از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده سپس با روش تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که میانجگیری چین در حل و فصل اختلافات و بهبودی روابط دو کشور تأثیر مثبت داشته است. هم‌چنین عادی‌سازی روابط بین دو بازیگر اصلی جهان اسلام تأثیر مثبت بر اوضاع سیاسی و اقتصادی منطقه شرق میانه و جهان گذاشته است؛ زیرا جنگ سرد بین ایران و عربستان سعودی حاشیه‌ای شده و همکاری میان دو کشور رو به افزایش است. از طرف دیگر، ما شاهد نقش‌آفرینی روزافزون چین در تعاملات منطقه‌ای و جهانی در کنار سایر قدرت‌های بزرگ خواهیم بود.

واژگان کلیدی: میانجگیری، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، چین، عربستان

مقدمه

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که تهدیدات ناشی از جنگ‌ها به دلیل نقض موازین پذیرفته شده بین‌المللی و همچنان مداخله کشورها در امور داخلی همدیگر رو به افزایش است. در مقابل، با توسل به اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل و همکاری‌های متقابل، زمینه میانجیگری فراهم شده و ما شاهد کاهش تعارضات و درگیری میان کشورها خواهیم بود. یکی از مواردی که میانجیگری نقش مؤثر در کاهش تعارضات میان کشوری داشته، تلاش چین به‌عنوان میانجی برای عادی‌سازی روابط ایران و عربستان است. در فرایند زمان اختلافات سیاسی و تناقضات مذهبی بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی برای رهبری جهان اسلام در جنگ یمن و سوریه و چگونگی تعامل با ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی شعله‌ورتر گردید. دو کشور همواره برای تحقق منافع ملی، سیاست خارجی متضاد و متعارض در قبال همدیگر دنبال می‌نمودند. به‌طورمثال، هردو کشور در مسئله صادرات نفت و گاز که در آن عربستان سیاست متعادل در رابطه به هزینه نفت در جهان و ایران برعکس بر افزایش قیمت نفت و گاز تأکید می‌ورزیدند را دنبال می‌نمودند.

با این وجود، در سال‌های اخیر ما شاهد کاهش تعارضات در تعاملات دوجانبه این دو کشور هستیم. به‌گونه‌ای که زمینه‌های فعالیت دیپلماتیک میان دو کشور فراهم شده است. سؤال پژوهش حاضر این است که چه عواملی در بهبود روابط بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که میانجیگری چین باعث نزدیکی تهران-ریاض شده و دو کشور به‌جای تعارض، سیاست همکاری جویانه منطقه‌ای را اتخاذ نموده‌اند.

برای پاسخگویی به پرسش تحقیق، تلاش شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب، مقالات و سایت‌های معتبر اطلاعات لازم جمع‌آوری و سپس با رویکرد تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت چنین تحقیقاتی در این است که توافقنامه احیای

روابط دیپلماتیک بین عربستان و ایران مورخ ۱۰ مارچ ۲۰۲۳ تا حد زیادی نه تنها توسعه آینده روابط دوجانبه تهران و ریاض را تعیین می کند، بلکه سیاست خارجی کشورهای منطقه و جهان را نیز تحت تأثیر قرار داده و شاهد افزایش تعاملات همکاری جویانه در سطح منطقه و جهان خواهیم بود. به علاوه، انجام چنین تحقیقاتی نقش حقوق بین الملل و روش هایی را که برای حل و فصل اختلافات پیشنهاد می کند، پررنگ می کند. لذا نقش میانجیگری که یکی از شیوه های بهتر و تجربه شده حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و یک اقام پیشگیرانه جهت کاهش بحران ها شمرده می شود، پررنگ می سازد.

برای بررسی مسأله پژوهش، سازماندهی تحقیق به گونه ای است که ابتدا جایگاه میانجیگری در روابط بین الملل و حقوق بین الملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه سیاست خارجی عربستان در قبال ایران و بالعکس سیاست خارجی ایران در قبال عربستان بررسی خواهد شد. سپس سیاست خارجی چین در قبال عربستان و ایران و جایگاه میانجیگری در سیاست خارجی این کشور بررسی خواهد شد. در نهایت با نتیجه گیری و ذکر منابع تحقیق خاتمه خواهد یافت.

۱. جایگاه میانجیگری در روابط بین الملل

میانجیگری یا سازش به عنوان شیوه حل و فصل اختلافات و تعارضات میان افراد، قبایل، جوامع و کشورها قدمت تاریخی داشته و با شکل گیری اولین تجمعات بشری و زندگی مسالمت آمیز گره خورده است. ادیان الهی، دکترین های بشری و حقوق بین الملل نیز بر ضرورت میانجیگری به عنوان روش مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات تأکید نموده اند. دانشمندان در تعریف میانجیگری تعاریف متعددی ارائه کرده اند. در کل می توان گفت که واژه میانجیگری در دو معنی به کار می رود: یکی وساطت بین دو طرف متخاصم به منظور عفو طرف متجاوز به وسیله قربانی یا زیان دیده یا به منظور رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش بین آن دو؛ دیگری، پایمردی و وساطت نزد حاکم به سود مجرم و گناهکار به منظور عفو و بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات وی (حسینی، ۱۳۷۸: ۶).

میانجیگری در روابط بین‌الملل زمانی مورد توجه می‌گیرد که تعارض افزایش یافته و شیوه‌های متعدد مدیریت بحران یا جوابگو نباشد و یا امکان توسل به آن‌ها وجود نداشته باشد. در کل در شرایط زیر معمولاً به میانجیگری متوسل می‌شوند:

۱. زمانی که اختلافات طولانی و پیچیده است.
۲. طرفین منازعه در تلاش برای کنترل منازعه به یک بن‌بست رسیده‌اند.
۳. هیچ‌کدام از طرفین منازعه آمادگی تشدید منازعه یا پرداخت هزینه بیشتر را ندارند.

۴. طرفین منازعه برای شکست بن‌بست و همکاری با یکدیگر و ایجاد تماس و ارتباط آمادگی دارند (برکویچ، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

بنابراین، میانجیگری به‌عنوان روش مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات در روابط بین‌الملل از اهمیت زیادی برخوردار شده و مورد توجه دانشمندان روابط بین‌الملل نیز قرار گرفته است. واقع‌گرایان معتقدند که نظام بین‌الملل حوزه تعامل میان دولت-ملت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل می‌باشد. با توجه به این که نظام بین‌الملل دارای ماهیت آنارشیک می‌باشد، دولت‌ها در تلاش‌اند که با کسب قدرت جایگاه خود در نظام بین‌الملل را ارتقا بخشند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۶-۷۳). در این راستا هر ابزاری که بتواند مؤثر واقع شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از این ابزارها میانجیگری است. این امر نشان می‌دهد که واقع‌گرایان نیز هرچند بر ماهیت آنارشیک و تعارض‌آمیز در تعامل میان کشورها باور دارند، اما بر کاربردی بودن میانجیگری در تعاملات بین‌المللی تأکید می‌کنند. به عبارت دیگر، میانجیگری را در برخی شرایط ابزار مناسب قدرت و ارتقای جایگاه کشورها در توزیع قدرت جهانی می‌دانند.

نظریه پردازان لیبرال به دلیل تأکید بر صلح و تعاملات همکاری‌جویانه، بر ابزارهای مسالمت‌آمیز در تعاملات بین‌المللی تأکید دارند. لیبرال‌ها معتقدند که انسان‌ها موجودات عقلانی بوده و این عقلانیت آن‌ها را به جای تعارض به همکاری سوق می‌دهد. بنابراین،

میانجیگری به عنوان شیوه مسالمت آمیز تعامل مورد توجه لیبرال‌ها قرار می‌گیرد. حقوق بین‌الملل نیز مسأله میانجیگری را مورد توجه قرار داده و آن را شیوه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌دهد. شکل‌گیری دولت‌های ملی، ظهور بازیگران غیردولتی و تعامل افراد فراتر از مرزهای ملی ضرورت تدوین حقوق بین‌الملل را فراهم نمود. هدف از تدوین حقوق بین‌الملل تلاش برای فراهم کردن تعامل صلح آمیز میان کشورها است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۲۳). به طور مثال منشور ملل متحد در مقدمه بر ضرورت کاربرد روش‌های مسالمت آمیز در تأمین منافع جمعی استفاده نموده است. منشور ملل متحد در مقدمه به صراحت می‌گوید: «ما مردم ملل متحد... برای تحقق اهداف تعریف شده در منشور، با بردباری، همزیستی مسالمت آمیز، پذیرش و نهادینه کردن ارزش‌ها [منشور] از نیروهای نظامی استفاده نخواهیم کرد مگر در جهت منافع مشترک». تأکید عدم استفاده از نیروی نظامی در مقدمه منشور ملل متحد نشان می‌دهد که روش‌های مسالمت آمیز مورد تأکید تدوین کنندگان منشور و کشورهای حاضر در نشست سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ بوده است. به علاوه، در ماده ۴۱ برای جلوگیری از جنگ، روش‌های غیر نظامی را مورد توجه قرار داده است. این ماده به شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌گوید: «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که چه تدابیری که مستلزم استفاده از نیروی مسلح نیست، برای عملی ساختن تصمیماتش به کار گرفته شود و می‌تواند از اعضای سازمان ملل متحد بخواهد که چنین اقداماتی را اعمال کنند» (United Nation Charter, 1945). از اصطلاح «تدابیری که مستلزم استفاده از نیروی مسلح نیست» چنین می‌توان استنباط کرد که میانجیگری به عنوان ابزار مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات مورد توجه منشور ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی در نظام حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. لذا منشور ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی و به منظور جلوگیری از جنگ دیگر به گستردگی جنگ دوم جهانی تدوین شده، بر ضرورت روش‌های مسالمت آمیز از جمله میانجیگری تأکید نموده

است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانجیگری هم از پیشینه تاریخی برخوردار است؛ هم نظریه‌های روابط بین‌الملل مورد توجه قرار داده و هم در حقوق بین‌الملل مخصوصاً در منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است. در شرایط کنونی، با توجه به رشد تکنولوژی نظامی و تولید سلاح‌های کشتار جمعی، کشورها در تلاش هستند که از تعارض مستقیم پرهیز نموده و به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات از جمله میانجیگری روی آورند. این امر ضمن کاهش هزینه‌های نظامی میان کشورها، منافع ملی آن‌ها را نیز محقق می‌کند. چین نیز به‌عنوان یک ابرقدرت، در سیاست خارجی، میانجیگری را به‌عنوان ابزار مناسب برای کسب پرستیژ بین‌المللی و تحقق منافع ملی در سیاست خارجی مورد توجه قرار داده و تلاش به‌عنوان میانجی در بهبود تعامل رسمی میان تهران و ریاض بیانگر اهمیت میانجیگری در سیاست خارجی چین و اهمیت ثبات در خاومیان و حوزه خلیج فارس می‌باشد.

۲. ضرورت تعامل با ایران در سیاست خارجی عربستان

همان‌طور که اشاره شد، اهداف اصلی سیاست خارجی کشورها را حفظ منافع ملی، تحکیم ثبات و امنیت، صلح پایدار و حل و فصل اختلافات از طریق دیپلماسی تشکیل می‌دهد. سیاست خارجی عربستان سعودی نیز برای تحقق چنین اهدافی سعی و تلاش ورزید تا با میانجیگری کشورهای پیشرفته و مطرح جهان، راه‌های ممکن حفظ امنیت و دفاع از تمامیت ارضی را در پیش گیرد؛ زیرا با گذشت زمان اختلافات سیاسی و تناقضات مذهبی به‌گونه روزافزون بین عربستان و ایران شعله‌ور گردیده بود و این مسائل باعث قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور مذکور گردید (بزرگمهری، ۱۳۹۸).

به‌منظور تحقق این اهداف سلمان بن عبدالعزیز آل سعود پادشاه عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ پسر ۳۲ ساله خود، محمد بن سلمان را به‌عنوان ولیعهد عربستان که بالاترین مقام سیاسی پس از پادشاه می‌باشد، تعیین نمود و در حال حاضر محمد بن سلمان از اختیارات بالای اجرائیوی برخوردار می‌باشد. محمد بن سلمان یک سلسله‌گام‌های

عملی را جهت پیشبرد سیاست خارجی از جمله برنامه بلندمدت تحت عنوانی «چشم‌انداز عربستان سعودی ۲۰۳۰» برداشت. این برنامه سه هدف عمده از جمله تبدیل عربستان سعودی به مرکز جهان اسلام، ایجاد یک مرکز واحد برای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در عربستان و در اخیر ایجاد مرکز لجستیکی و حمل‌ونقل تحت رهبری عربستان که منطقه آفریقا و اوراسیا را به هم وصل می‌نمایند، دنبال کرد (Saudi Vision 2030, n.d.).

به‌علاوه، وی شیوه‌های جدید جهت خودکفایی را منجمله حذف مصرف بودیجه دولت تنها متکی به فروش نفت، دریافت شیوه‌های تجارتي ماندنی اعمار ساختمان‌های مدرن، تأکید بر منابع انرژی پاک و تجدیدپذیر، توسعه‌بخش‌های خدماتی از قبیل بهداشت، آموزش، رشد و توسعه زراعت به شیوه‌های علمی و جدید و توسعه توریسم که همه این‌ها خودکفایی عربستان را ممکن می‌سازد، روی دست گرفت. محمد بن سلمان هزینه‌های دولتی را برای تولید تجهیزات نظامی و مهمات جهت دفاع عربستان در مقابل حملات احتمالی نظامی افزایش داد، اما مصارف گزاف عربستان سعودی را در جنگ یمن که در تضاد با برنامه‌های جدید اقتصادی عربستان قرار داشت، کاهش قابل توجهی داد و برحل و فصل قضیه یمن از طریق گفتگو و آشتی ملی تأکید ورزید.

مسئله دیگر که عربستان سعودی را به احیای روابط با ایران وا داشت، این بود که عربستان سعودی در فکر تحکیم امنیت در منطقه شرق‌میانه بود، تا در مقابل ایران و متحدان نیابتی آن ایستادگی نماید؛ لذا برخی اقدامات پیشگیرانه در خصوص تمویل و تجهیز نیروهای نظامی برداشت. در عموم جهان عرب بیشتر نگران برنامه پرتاب راکت‌ها و فعالیت‌های نظامی - سیاسی ایران علیه کشورهای عربی و هسته‌ای شدن ایران بودند. عامل دیگر در سیاست خارجی عربستان برای احیای روابط با ایران، سردی روابط ریاض - واشنگتن به‌عنوان متحد سنتی و نزدیک بود. این سردی روابط در سفر جو بایدن به ریاض که مورد استقبال سرد عربستان قرار گرفت، بیشتر نمایان گردید. ایالات متحده به تأمین امنیت و گسترش روابط با عربستان سعودی مانند سابق علاقمندی نشان نمی‌داد. عدم

توافق بین مقامات آمریکایی با همتای عربستانی در خصوص عرضه‌ی قیمت نفت و تولید نفت بر سردی روابط دو متحد افزود. جو بایدن نه‌تنها محمد بن سلمان را در قتل جمال خاشقچی مورد انتقاد قرار داد، بلکه همکاری‌های نظامی با عربستان سعودی را نیز کاهش داد.

محمد بن سلمان با توجه به سردی روابط با ایالات متحده و همچنان با در نظر داشت شرایط جدید جی‌وپلیتیکی که بی‌شک جوهره سیاست خارجی فعال عربستان سعودی را نشان می‌دهد و با میانجیگری کشور چین آماده احیای روابط با ایران شد. عربستان سعودی با پیشبرد سیاست خارجی مستقل در تعاملات اقتصادی بین‌المللی اعتبار و وزن بیشتری نسبت به قبل دریافت نمود و محمد الجدان وزیر دارایی عربستان سعودی در مجمع اقتصادی داووس گفت: «هدف عربستان سعودی ایجاد پل و روابط نیک با چین، آمریکا و اروپا و سایر کشورها بوده و مصمم است تا به فعالیت خویش در این راستا ادامه دهد» (Saudi Vision 2030, n.d.).

ریاض با درک این موضوع که زمان پایان دادن به درگیری‌های احتمالی در منطقه فرا رسیده، اما در شرایط کنونی اتکاء تنها به واشنگتن سودی ندارد و در این برهه تاریخی کشور چین را به‌عنوان شریک شایسته انتخاب نمود. علی‌الشهابی، کارشناس عربستانی ضمن تأیید نقش مهم میانجیگری چین معتقد است که عربستان سعودی در حال توسعه یک استراتژی جامع با یک تعدادی از شرکای بیرون از منطقه شرق‌میانه می‌باشد و چین در همکاری‌های چندجانبه، نقش مهم در روند رشد اقتصادی منطقه شرق‌میانه ایفا می‌نماید؛ زیرا عربستان سعودی نه‌تنها از روابط مستحکم با بیجینگ سود می‌برد، بلکه از توسعه روابط با کشورهای دیگر مانند ایران نیز سود زیادی خواهد برد؛ و به‌نوبه خویش چین به نفت کشورهای شرق‌میانه به‌شمول ایران وابسته می‌باشد. به همین دلیل چین علاقه زیادی به ثبات این منطقه نشان داده و می‌دهد. عربستان سعودی نیز تلاش می‌کند تا شرایط مناسب برای چین جهت افزایش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در عربستان

سعودی و هم در منطقه که از نفوذ بالایی برخوردار می‌باشد، فراهم سازد (Tom, 2023). شایان ذکر است که وضعیت نسبتاً آرام در منطقه گاهی به معنای ثبات و امنیت دائمی هم نیست، اما ریاض سعی و تلاش می‌نماید تا وضعیت را با استفاده از مانورهای سیاسی و همکاری با چین، چالش‌ها را به فرصت خوب برای همکاری‌های اقتصادی مبدل نماید. علاوه بر این، وضعیت سیاسی-اقتصادی داخلی ایران، در پیچه‌های فرصت را برای سعودی‌ها باز نمود تا با استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی پیشگیرانه، درگیری‌های احتمالی با ایران را از طریق همکاری‌های تجارتي-اقتصادی کاهش دهد.

اکنون محمد بن سلمان سیاست خارجی مبتنی بر دیپلماسی چندجانبه را در منطقه دنبال می‌نماید و این نوع همگرایی در اعلامیه مشترک بین عربستان سعودی و ایران حین امضای توافقنامه احیای روابط دیپلماتیک بین دو کشور با میانجیگری کشور چین سرعت گرفت. در عین حال، برخی کارشناسان از جمله اعظم الشدادی معتقد است که این سلسله تحولات نشانه‌ی قطع ارتباط با ایالات متحده نیست. به گفته‌ی الشدادی، «تردیدی وجود ندارد که روابط پادشاهی عربستان سعودی و ایالات متحده امریکا برای تثبیت وزن مهم و استراتژیکی محسوب می‌شود؛ از سوی دیگر این روابط برای جهان از لحاظ ابعاد سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی حائز اهمیت نیز می‌باشد و هیچ تناقضی در رابطه به میانجیگری چین و احیای روابط عربستان سعودی و ایران که هدفش دستیابی به ثبات در منطقه شرق میانه است، به مشاهده نمی‌رسد (نظری، ۱۴۰۲).

عربستان سعودی، بیجینگ را یک اقتصادی مهم و واشنگتن را شریک امنیتی خود می‌شمارد. مایکل سینگ، رئیس موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک در مقاله خویش می‌نویسد که «توافق عربستان و ایران منعکس کننده واقعیت عینی جهان است. اقتصاد، سیاست و امنیت به یکدیگر مرتبط می‌باشند؛ بنابراین جای تعجب نیست که جاه طلبی‌های چین تنها تجاری نبوده و اعتقاد بر این است که روابط دیپلماتیک نیز باید توسعه یابد و کشور چین پیشنهادات صلح، کنفرانس‌ها و ابتکارات مهمی را در منطقه

ترویج می‌نماید؛ درحالی‌که واشنگتن چنین فعالیت‌هایی را کاهش داده است (Singh, 2023). در کل می‌توان گفت که این میانجیگری می‌تواند منافع زیر را برای عربستان در تعامل با ایران به همراه داشته باشد:

- پایان دادن به دشمنی و جنگ‌های نیابتی با جمهوری اسلامی ایران؛
- کاهش نگرانی نسبت به مشاهده بی‌تفاوتی و عدم تعهد دولت آمریکا برای حمایت از کشورهای عربی در برابر ایران و در نتیجه بی‌اعتمادی به آمریکا و متحدان غربی‌اش؛
- عدم نگرانی از مواضع متناقض و مغشوش دولت بایدن در قبال ایران و برجام؛
- همکاری برای مهار و مقابله با گروه‌های شیعه طرفدار ایران در کشورهای مختلف منطقه؛

• پایان دادن به ادامه درگیری‌ها با ایران برای تبدیل عربستان به هاب اقتصادی-توریستی در منطقه و جهان؛

- پایان دادن به جنگ نیابتی ویرانگر و پرهزینه در یمن که بودجه و اعتبار بین الملل عربستان را تحت تأثیر قرار داده و در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ نیز منجر به حملات موشکی حوثی‌ها به تأسیسات نفتی عربستان سعودی (آرامکو) و توقف نیمی از تولید نفت خام این کشور، شوک بزرگی نیز به مقامات سعودی وارد کرد (مظاهری، ۱۴۰۲).

۳. ضرورت تعامل با عربستان در سیاست خارجی ایران

جمهوری اسلامی ایران علاقمند گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجارتي با کشورهای عربی است. زیرا رشد همکاری‌های اقتصادی و تجارتي به پایان خشونت‌ها و درگیری‌ها در منطقه شرق‌میانه به‌خصوص درگیری‌ها بین اسرائیل و فلسطین، اسرائیل و لبنان کمک خواهد کرد.

کشورهای منطقه شرق‌میانه به‌شمول ایران که دارای جمعیت و منابع طبیعی فراوانی هستند، تاکنون جایگاه قابل قبول در نظام بین‌الملل ندارند. تحریم اقتصادی عیله ایران،

کاهش صادرات نفت، وخیم شدن وضعیت اقتصادی مردم، افزایش تورم در ایران تأثیرات منفی بر تحولات داخلی این کشور داشته است. افزایش تورم و ترس از کاهش ارزش ریال مدت‌هاست که زندگی مردم ایران را به شدت تحت‌تاثیر قرار داده است. این چالش‌ها باعث شده که سیدعلی خامنه‌ای رهبر مذهبی ایران غرض تغییر وضعیت در سیاست داخلی و خارجی ضرورت بازنگری تعاملات منطقه‌ای و احیای مجدد روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی جهت جلب سرمایه‌گذاری خارجی را مطرح نماید.

افزون براین، ایران در منطقه شرق‌میانه از نظر سیاسی و اقتصادی در یک حالت انزوا قرار گرفته است. «توافقنامه ابراهیم» در تاریخ ۱۳ آگست ۲۰۲۰ میان امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، باعث نزدیکی کشورهای عربی با اسرائیل و افزایش تهدیدات نظامی اسرائیل علیه ایران شده است. این تحولات ایران را وادار نموده تا روابط خویش را با کشورهای منطقه شرق‌میانه در قدم نخست با عربستان سعودی که برای ایران حیاتی و مهم شمرده می‌شود، آغاز کند (چلداوی، ۱۴۰۱).

اکثر کارشناسان منطقه شرق‌میانه به‌شمول ایران، احیای روابط بین ایران و عربستان را موفقیت‌آمیز و میانجیگری چین را جهت کاهش تنش بین ایران و عربستان مؤثر می‌دانند. به گفته دکتر مهدی مظاهری رئیس موسسه فرهنگی اکو، توافقنامه احیای روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران با میانجیگری کشور چین یکی از مهم‌ترین رویدادهای منطقه غرب آسیا در سال‌های اخیر بوده است. در کل، ایران از سیاست نزدیکی و افزایش تعاملات دیپلماتیک با عربستان اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بهبود روابط با همسایگان به‌ویژه اعراب خلیج

فارس؛

- جلوگیری از شکل‌گیری جبهه جدید عربی- غربی- عبری علیه ایران؛
- ایجاد یک تحول اساسی در سیاست خارجی برای کاهش بحران‌های اقتصادی-

اجتماعی داخلی؛

- تلاش برای کاهش تاثیر تحریم‌ها با دسترسی به منابع مالی کشورهای خلیج فارس؛
- جلوگیری از اقدامات خصمانه، تفرقه‌افکنانه و تجزیه‌طلبانه کانال «ایران اینترنشنال» تحت حمایت عربستان؛
- جلوگیری از همگرایی بیشتر اعراب خلیج فارس با اسرائیل و توسعه پیمان ابراهیم؛
- خارج کردن ایران از جایگاه دشمن کشورهای اسلامی و بازگردادن مسأله فلسطین به مرکز توجه جهان اسلام؛
- بازداشتن عربستان از حمایت گروه‌های جدایی‌طلب و دیگر مخالفان ایران (مظاهری، ۱۴۰۲).

در مجموع می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های اخیر دستاوردهای سیاست خارجی خود را بازبینی نموده و در نهایت به این نتیجه رسیده که تعارضات و درگیری‌های منطقه‌ای سبب انزوای بیشتر این کشور شده و دستاورد ملموس نداشته است. بنابراین تلاش نموده که از تمام ظرفیت‌ها از جمله توان دیپلماتیک چین استفاده نموده و تلاش چین برای میانجیگری میان ریاض-تهران را بپذیرد. این امر نه تنها باعث کاهش تعارضات منطقه‌ای می‌شود، فرصت‌های جدید برای همکاری میان ایران و عربستان و سایر کشورهای حوزه خلیج را فراهم می‌کند.

۴. اهداف سیاست خارجی چین در قبال ایران و عربستان

بیجینگ در سیاست خارجی اهداف اقتصادی بنیادین در قالب طرح «کمربند و راه» تعریف نموده است. کشور چین از اصلاحات تاریخی دنگ شیائوپینگ در رابطه به استقلال، خودکفایی، تنش‌زدایی به سوی سیاست خارجی اقتصادمحور حرکت کرده است. در قالب سیاست خارجی اقتصادمحور، چین خواستار تعامل بیشتر با کشورهای شرق میانه در عرصه‌های مختلف، به خصوص با شرکت‌های نفتی بزرگ ایرانی و عربستانی

است (سودانه، ۲۰۲۳). ثانياً، کشور چین از دیر زمان به دنبال تثبیت جایگاه خویش در سطح بین المللی، منطقه‌ای و شرق میانه بوده و این رویکرد به مرور زمان با رقابت ایالات متحده در منطقه شرق میانه مواجه گردید. به علاوه، روابط چین با کشورهای عربی باعث کاهش حمایت معنوی و مادی از مردم مسلمان اویغور گردیده و متقابلاً چین با ارائه خدمات ارزان و سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشورهای عربی سبب رونق و افزایش گردشکالا و سرمایه‌گذاری در منطقه گردیده است.

در دوره دنگ شیائوپینگ رشد و توسعه چین براساس اصل حسن همجواری با همه کشورها و مناطق جهان با شعار: «بیابید اختلافات را کنار بگذاریم و با هم همکاری نماییم» بنا نهاده شد. شی چین پینگ ضمن حفظ دستاوردهای مثبت، به تدریج از اقتصاد دولتی و ایدئولوژی‌های مائوئیست فاصله گرفته و فرصت‌های نو برای جلب سرمایه‌گذاری‌ها و فناوری‌های خارجی مهیا ساخته و نیروی کاری چین را به بازار جهانی معرفی نمود. در کل وی بر اصول زیر در سیاست خارجی تأکید نمود:

- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی؛
- عدم تهاجم / تجاوز علیه قلمرو دیگران؛
- عدم مداخله در امور داخلی دیگران؛
- برابری و سود متقابل؛
- همزیستی مسالمت‌آمیز (گراچیکوف، ۲۰۱۵: ۱).

حوزه‌های کلیدی منافع چین در شرق میانه شامل تأمین امنیت و منابع انرژی از طریق مسیرهای تجارت بین‌المللی و هم‌چنین تثبیت جایگاه ژئواستراتژیک تعریف شد. دستیابی به این اهداف استراتژیک نیازمند تبدیل شدن چین به یک قدرت بزرگ جهت حفظ تعادل بین‌المللی و مقابله با نفوذ ایالات متحده بود. به علاوه، چین معتقد بود که داشتن روابط خوب با کشورهای عربی و مسلمان‌نشین، حمایت معنوی و مادی از اقلیت مسلمان اویغور جدایی‌طلب چینی را حاشیه‌ای می‌کند؛ هم‌چنین نقش بارز بیجینگ

به‌عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی در منطقه شرق‌میانه برای کشورهای حوزه خلیج جذابیت داشته و از تعامل همکاری جویانه با چین استقبال می‌کردند (چین و جهان عرب، ۲۰۲۱).

چین همواره بر توسعه روابط اقتصادی با کشورهای عربی تأکید می‌ورزد؛ اکنون چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری و بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام از کشورهای عربی محسوب می‌شود. این روند همکاری‌های اقتصادی متقابل در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، انرژی، حمل و نقل و تحقق طرح «کمربند و راه» را تکمیل می‌کند. برحسب معلومات اتاق تجارت ایران، سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عربی بی‌سابقه است. کشورهای عربی از همکاری با چین استقبال نموده‌اند؛ چون رشد تجارت میان کشورهای عربی و چین، نشان‌دهنده مسیری امیدوارکننده برای افزایش همکاری‌های جدید می‌باشد. بیجینگ در سال ۲۰۲۲ میلادی بیش از ۱۷۷ میلیارد دلار کالا به کشورهای عربی صادر نموده است و ارزش مبادلات تجاری بین عربستان در نیمه سال ۲۰۲۳ میلادی به ۲۶۱٫۳ میلیارد دلار رسید. در همین چارچوب چین بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان در نیمه نخست سال ۲۰۲۳ محسوب شده و عربستان طی این مدت ۲۶٫۸۲ میلیارد دلار کالا و انرژی به چین صادر کرده و در حدود ۲۱٫۰۳ میلیارد دلار کالا از چین وارد کرده است. امارات، بحرین، مصر در رتبه‌های بعدی با چین قرار گرفته‌اند (مؤسسه مطالعاتی تحریریه، ۱۴۰۲).

دهمین اجلاس بزرگ مجمع همکاری عربی-چینی در ۲۸ جون الی ۱ جولای ۲۰۲۴ میلادی که به میزبانی بیجینگ و با حضور داشت‌سران کشورهای بحرین، مصر، تونس و امارات متحده عربی و وزرای خارجه ۱۸ کشور عربی برگزار گردید، فرصت‌های جدیدی برای تعمیق روابط اقتصادی و تجاری بین چین و کشورهای عربی ایجاد نمود. به گفته کارشناسان، پتانسیل زیادی در تعمیق روابط در حوزه انرژی، صنایع نوظهور، فناوری و همکاری‌های مالی وجود دارد که توسعه روابط چین با کشورهای عربی زمینه‌های

همکاری را در عرصه‌های نوظهور مانند هسته‌ای، هوانوردی، انرژی‌های تجدیدپذیر، هوش مصنوعی فراهم می‌سازند.

چین طرح کمربند و جاده خود را در سال ۲۰۱۳ مطرح کرد و این طرح منجر به افزایش سرمایه‌گذاری بیجینگ در پروژه‌های اقتصادی کشورهای عربی گردید. در سال ۲۰۲۲، کل تجارت بین چین و منطقه شرق میانه به ۵۰۵ میلیارد دلار رسیده و طی ۱۰ سال تجارت چین و اعراب در چهار ماه اول ۲۰۲۴ نیز به بالاترین سطح یعنی ۷۶ درصد رسید. چین بزرگ‌ترین صادرکننده منسوجات، پوشاک و محصولات مکانیکی و الکتریکی به کشورهای عربی می‌باشد. در مقابل کشورهای عربی نیز بزرگ‌ترین صادرکننده منبع انرژی به چین هستند (کریمی، ۱۴۰۳).

در رابطه به این که چین کدام اهداف را در احیای روابط بین ایران و عربستان دنبال می‌نماید باید گفت که نقش چین در احیای روابط بین ایران و عربستان برای هر سه کشور خیلی مهم شمرده می‌شود. چین برای تقویت جایگاه خویش در شرق میانه وارد عمل گردید و میانجیگری در خصوص احیای روابط بین دو رقیب دیرینه فرصتی را برای بیجینگ فراهم کرد تا نفوذ جهانی در حال گسترش خود را به نمایش بگذارد و از امکانات دست داشته خود جهت بهبود روابط عربستان و ایران استفاده نماید.

ایالات متحده و سایر متحدین امریکا علی‌رغم اینکه در اظهارات از احیای روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان با میانجیگری چین استقبال نموده اند، با آن‌هم با توجه با رقابت استراتژیک چین و ایالات متحده، میانجیگری چین را مورد شک و شبهه قرار دادند (نفیسی، ۱۴۰۳). همان‌طور که بیان شد، در سال‌های اخیر روابط بیجینگ با تهران و ریاض بر پایه همکاری‌ها و تجارت متقابل استوار بوده و به دلیل این که دو کشور دارنده ذخایر غنی نفت بوده و مسیر مناسب حمل و نقل محصولات چین به شرق میانه شمرده می‌شود، برای چین اهمیت حیاتی دارد.

استفان ام والت، استاد روابط بین الملل دانشگاه هاروارد، معتقد است که «نزدیکی ایران و عربستان زنگ خطری برای ایالات متحده بوده و طرح صلح یک معامله بزرگ است - و تصادفی نیست که چین آن را میانجیگری کرده است. زیرا چین با بسیاری از کشورهای منطقه روابط دوستانه خوبی دارد و تنها از این طریق یک قدرت بزرگ می‌تواند مزیت خود را حفظ نماید» (Walt, 2023).

نتیجه‌گیری

در نظام بین‌الملل، تعامل میان کشورها آن‌طور که تصور می‌شود، ساده و آسان نیست. واضح است که میانجیگری بیچینگ در احیای روابط بین عربستان سعودی و ایران، همه مشکلات، خشونت‌ها و تضادها را در منطقه و همچنان بین تهران و ریاض حل نخواهد کرد. ممکن است تضادها و اختلافات عقیدتی، سیاسی برای مدت طولانی لاینحل باقی بمانند. با این همه، این میانجیگری دستاوردهای زیر را داشته است:

۱. بدون شک عادی‌سازی روابط بین دو کشور مهم در شرق میانه، تأثیر مثبت بر تحولات اوضاع سیاسی و نظامی در منطقه و جهان خواهد داشت. از همه مهمتر، احیای روابط دیپلماتیک، خطر جنگ سرد که به‌نحوی بین ریاض و تهران وجود داشت و احتمال تبدیل شدن آن به جنگ داغ و مستقیم بود را کاهش می‌دهد. به‌علاوه، احیای روابط بین ریاض و تهران تأثیرات مثبت در حل چالش‌ها و تعارضات منطقه‌ای و تبدیل آن‌ها به فرصت برای همکاری بیشتر خواهد داشت.

۲. میانجیگری چین درخصوص احیای روابط بین عربستان و ایران، فرصت‌های جدید برای برقراری روابط با کشورهای عربی و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و کشورهای عضو اتحادیه بریکس که در حال شکل‌گیری هستند، مهیا خواهد کرد.

۳. این میانجیگری با در نظر داشت این که کشور چین از امکانات سیاسی و اجتماعی بهینه در شرق میانه برخوردار می‌باشد و می‌تواند استقلال بی‌طرفی را در میانجیگری

حفظ نماید، موانع زیر را توانسته در تعامل ریاض-تهران رفع نماید:

الف) طرفین از منافع متضاد و منحصر به خود دست برداشته و به دنبال تحقق منافع مشترک هستند.

ب) هنجارهای حقوقی و قواعد عرفی منطقه‌ای مورد تأکید قرار گرفته و طرفین از تفسیر منافع محور فاصله گرفته و به سوی فهم مشترک حرکت نموده‌اند.

ج) همکاری و تعامل دوجانبه و چندجانبه جایگزین تعارض و بدبینی در تعاملات منطقه‌ای شده است.

د) روابط تجارتي و اقتصادی در تعامل دو کشور اولویت یافته و تعارضات ایدئولوژیک حاشیه‌ای شده است.

در نهایت می‌توان گفت که استراتژی بلندمدت چین در منطقه فرصت میانجیگری در تعامل دو رقیب در شرق میانه را فراهم نمود. این امر نشان می‌دهد که در نظام بین‌الملل آینده، نمی‌توان نقش چین به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی را نادیده گرفت. در کنار سایر بازیگران بزرگ جهانی، نقش و تأثیرگذاری چین پررنگ‌تر خواهد شد؛ کشوری که در تعامل روش‌های مسالمت‌آمیز را بر کاربرد توان نظامی ترجیح می‌دهد.

منابع:

۱. بزرگمهری، مجید، (۱۳۹۸)، شکل‌گیری سیاست خارجی عربستان سعودی؛ عوامل درونی تأثیرگذار، فصلنامه پژوهشی روابط بین‌الملل، دوره نهم شماره دوم
۲. برکوویچ، جاکوب، (۱۳۷۸)، برخی مسائل نظری و روندهای تجربی در مطالعه میانجیگری موفق در روابط بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۳
۳. بی‌نا، (۱۴۰۲)، چین بزرگترین شریک تجاری کشورهای عربی، مؤسسه مطالعاتی تحریریه
۴. حسینی، محمد (۱۳۷۸)، نقش «میانجیگری» در فصل دعاوی و پاسخ‌دهی به نقض هنجارها، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۸۳۶، دوره ۴۵
۵. چلداوی، زینب، (۱۴۰۱)، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی توافق ابراهیم
۶. چین و جهان عرب (۲۰۲۱)، منافع پکن در شمال آفریقا و شرق میانه، وبسایت کاتیهان، قابل دسترسی در: <https://katehon.com/ru/article/kitay-i-arabskiy-mir>
۷. سودانه، اکادمی، (۲۰۲۳)، رابطه اقتصادی و سیاست چیست < تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها
۸. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش
۹. کرمی، کامران، (۱۴۰۳)، طنین همکاری چینی-عربی در خاورمیانه، دنیای اقتصاد
۱۰. گراچیکوف، یوگنی نیکلایویچ، (۲۰۱۵)، ویژگی‌های سیاست خارجی چین: مراحل تغییر استراتژی‌ها، وبسایت سایبرلینکا، قابل دسترسی در: <https://cyberleninka.ru/article/n/osobennosti-vneshney-politiki-kitaya-etapy-smeny-strategiy>
۱۱. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت
۱۲. مظاهری، مهدی، (۱۴۰۲)، روابط ایران و عربستان؛ تأثیرات و پیامدها، تهران، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل
۱۳. نظری، مونس، (۱۴۰۲)، چرا عربستان برای الحاق به بلوک امنیتی چین و روسیه به ایران نیاز دارد؟، قابل دسترسی در: <https://www.faraz.ir>
۱۴. نفیسی، ساناز، (۱۴۰۳)، معمای احیای روابط ایران و عربستان؛ هدف چن از میانجیگری یان تهران و ریاض چه بود؟، اقتصاد نیوز

15. Saudi Vision 2030. (n.d.). Kingdom of the Saudi Arabia, Available at:

<https://www.vision2030.gov.sa/en>

16. Singh, Micheal, (2023), **The Saudi-Iran deal reflects a new global reality**
17. Saudi Arabia a 'bright spot' for global economy, (2023), **Arab News**, Available:
18. <https://www.arabnews.com/node/2234741/saudi-arabia>
19. Tom, O'Connor,(2023), **Why Saudi Arabia Is Following Iran to Join China and Russia's Security Bloc**
20. United Nation Charter, (1945), **united Nation Website**, article VII, avialbel at:
<https://www.un.org/en/about-us/un-charter/chapter-7>
21. Walt, Stephen M., **a columnist at Foreign Policy**, Available:
<https://foreignpolicy.com/2023/03/14/saudi-iranian-detente-china-united>